

تفسیر کلی شماره ۴ کمیته حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۱۶) حق بر آموزش فراگیر

ترجمه: کمیته حقوق بشر در ایران

اول. مقدمه

۱. در گذشته به افراد دارای معلولیت به عنوان دریافت‌کنندگان مزایای رفاهی نگاه می‌شد، اما در حقوق بین‌الملل این افراد به عنوان دارندگان حق شناخته می‌شوند که از حق بر آموزش بدون تبعیض و بر مبنای برابری فرصت‌ها برخوردارند. در اسنادی نظیر کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، اعلامیه جهانی آموزش برای همه (۱۹۹۰)، قواعد استاندارد برابری فرصت‌ها برای افراد دارای معلولیت (۱۹۹۳) و بیانیه و چارچوب عملی سالامانکا (۱۹۹۴) تدابیری در نظر گرفته شده که حاکی از افزایش آگاهی و درک از حق افراد دارای معلولیت بر آموزش است.

۲. در سی سال اخیر، شناسایی "آموزش فراگیر" به عنوان کلید تحقق حق بر آموزش تقویت شده و در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت به رسمیت شناخته شده است. این کنوانسیون اولین سند الزام‌آوری است که در عرصه حقوقی به مفهوم آموزش فراگیر و باکیفیت اشاره کرده است. هدف شماره ۴ اهداف توسعه پایدار نیز بر ارزش فراگیری، کیفیت و منصفانه بودن آموزش تاکید می‌کند. آموزش فراگیر در دستیابی به آموزش باکیفیت همه یادگیرندگان، از جمله افراد دارای معلولیت و توسعه جوامع فراگیر، صلح‌آمیز و منصفانه اهمیت دارد. به علاوه دلایل آموزشی، اجتماعی و اقتصادی هم در لزوم تقویت آموزش فراگیر وجود دارند. بر اساس گزارش کمیسیون عالی حقوق بشر ملل متحد در مطالعه موضوعی حق افراد دارای معلولیت بر آموزش، تنها با آموزش فراگیر می‌توان هم آموزش باکیفیت و پیشرفت اجتماعی برای افراد دارای معلولیت فراهم کرد و هم همگانی و غیرتبعیض‌آمیز بودن حق بر آموزش را تضمین کرد.^۱

۳. با وجود پیشرفت‌هایی که حاصل شده کمیته حقوق افراد دارای معلولیت همچنان نگران چالش‌های عمیق موجود است. حق بر آموزش هنوز از میلیون‌ها فرد دارای معلولیت دریغ می‌شود و برای بسیاری نیز آموزش تنها در فضاهای جدا از بقیه افراد جامعه و هم‌تایان و با کیفیت پایین‌تر در دسترس است.

۴. موانع پیش‌روی دسترسی افراد دارای معلولیت به آموزش فراگیر به عوامل متعددی مرتبط است؛ از جمله:
 آ. عدم درک یا کوتاهی در اجرای مدل حقوق بشری معلولیت موجب می‌شود موانع محلی و اجتماعی بیش از خود معلولیت مانع افراد دارای معلولیت شوند؛
 ب. تبعیض دائم علیه افراد دارای معلولیت، به همراه انزوای آنانی که در مراکز نگهداری سکونت دارند، و سطح پایین توقعات از آنهایی که در فضاهای معمول تفکیک نشده زندگی می‌کنند، باعث شده که ترس و تعصب نسبت به افراد دارای معلولیت فزونی یابد و به چالش کشیده نشود؛
 پ. نبود آگاهی از ماهیت و مزایای آموزش فراگیر و با کیفیت و تنوع در یادگیری برای همه مثلاً در رقابتی شدن فضای آموزشی؛ نبود دسترسی به همه والدین و نبود پاسخ مناسب به نیازهای حمایتی که همگی منجر به ترس‌ها و کلیشه‌های

¹ See A/HRC/25/29 and Corr.1, paras. 3 and 68.

نابجا در مورد کارایی آموزش فراگیر می‌شود و به این تصور نادرست دامن می‌زند که آموزش فراگیر باعث افت کیفیت آموزش می‌شود یا به نحوی بر سایر دانش‌آموزان اثر منفی می‌گذارد؛
ت. نبود اطلاعات تفکیک شده و پژوهش (که هر دو برای پاسخگویی و توسعه برنامه ضروری هستند) مانع بسط سیاست‌ها و اقدامات موثر برای ترویج آموزش فراگیر و باکیفیت می‌شوند؛
ث. فقدان اراده سیاسی، دانش فنی و ظرفیت‌های لازم برای تحقق حق بر آموزش فراگیر از جمله آموزش ناکافی برای همه پرسنل آموزشی؛
ج. سازوکارهای نامناسب و ناکافی تامین مالی برای ایجاد مشوق و امکانات متعارف برای دانش‌آموزان دارای معلولیت، هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، پشتیبانی و استمرار؛
چ. نبود راه‌های جبران خسارت و سازوکارهای طرح شکایت به منظور درخواست جبران.

۵. دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت باید در همه تدابیری که برای اجرای آموزش فراگیر به کار می‌گیرند به اصول کلی زیربنایی کنوانسیون توجه داشته باشند و تضمین کنند که هم فرایندها و هم نتایج نظام آموزشی فراگیر با ماده ۳ همخوانی دارند.

۶. این تفسیر کلی بر همه افراد دارای معلولیت و افرادی که دارای معلولیت تصور می‌شوند قابل اعمال است.^۲ کمیته متوجه است که برخی گروه‌ها بیش از دیگران در خطر مستثنی شدن از آموزش هستند مثل افراد دارای معلولیت ذهنی یا دارای معلولیت‌های متعدد، افراد نابینا-ناشنوا، افراد دارای اوتیسم یا افراد دارای معلولیت که در شرایط اضطراری انسانی قرار دارند.

۷. دولت‌های عضو در راستای بند ۳ ماده ۴ باید در تمام ابعاد برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی سیاست‌های آموزش فراگیر با افراد دارای معلولیت و از جمله کودکان دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آنها مشورت کنند و آنها را به طور فعال مشارکت دهند. افراد دارای معلولیت، و در موقعیت مناسب خانواده‌های آنها، باید فراتر از صرف دریافت‌کننده آموزش و به عنوان شریک به حساب بیایند.

دوم. محتوای هنجاری ماده ۲۴

۸. دولت‌های عضو باید در راستای بند ۱ ماده ۲۴ تضمین کنند که حق افراد دارای معلولیت بر آموزش از طریق نظام فراگیر آموزشی در تمام سطوح محقق می‌شود؛ شامل آموزش پیش‌دبستانی، دبستان، راهنمایی و دبیرستان، مدارس فنی و حرفه‌ای و یادگیری در همه سنین، فعالیت‌های اجتماعی و فوق‌برنامه و برای همه دانش‌آموزان، از جمله افراد دارای معلولیت بدون تبعیض و بر مبنای برابر با دیگران.

۹. تضمین حق بر آموزش فراگیر شامل ایجاد تغییر در فرهنگ، سیاست‌گذاری و رویه‌ها در تمامی محیط‌های آموزشی اعم از رسمی و غیررسمی است به نحوی که این محیط‌ها پذیرای شرایط و هویت‌های مختلف دانش‌آموزان شده و همراه با تعهد به رفع موانعی باشد که چنین امکانی را مختل می‌کنند. برای ایجاد نظام آموزش فراگیر ظرفیت نظام آموزشی باید چنان تقویت شود که همه یادگیرندگان را دربرگیرد. آموزش فراگیر بر مشارکت کامل و موثر، دسترسی‌پذیری، حضور و شکوفایی همه دانش‌آموزان تمرکز دارد، به ویژه آنانی که به دلایل مختلف حذف شده یا در خطر به حاشیه رانده شدن هستند. فراگیری یعنی دسترسی به آموزش کیفی رسمی و غیررسمی باکیفیت و پیشرفت در آن بدون هیچ تبعیضی. هدف آموزش فراگیر این است که جوامع محلی، ساختارها و سیستم‌های موجود را قادر سازد تا با تبعیض از جمله کلیشه‌های

^۲ بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت

آسیب‌زا مقابله کنند، تنوع میان دانش‌آموزان را به رسمیت بشناسند، مشارکت همگانی در امر آموزش را تشویق کنند و بر موانع یادگیری و مشارکت همگان با تمرکز بر رفاه و موفقیت دانش‌آموزان دارای معلولیت غلبه کنند. آموزش فراگیر نیازمند تغییر عمیق نظام‌های آموزشی در سطح قوانین و سیاست‌گذاری و نیز تحول سازوکارهای تامین مالی، اداری، طراحی، اجرا و نظارت بر آموزش است.

۱۰. آموزش فراگیر یعنی:

آ. حق بنیادین بشری همه یادگیرندگان. به ویژه، آموزش حق فرد یادگیرنده است و برای مثال در مورد کودکان، حق والدین یا مراقبت‌کنندگان کودک به حساب نمی‌آید. مسئولیت‌های والدین در این رابطه فرع بر حقوق کودک است؛ ب. آموزش فراگیر اصلی است که برای رفاه همه دانش‌آموزان ارزش قائل است، به شان ذاتی و خودمختاری آنان احترام می‌گذارد، بر نیازهای فردی یادگیرندگان و توان آنها برای اثربخشی و مشارکت موثر در جامعه اذعان می‌کند؛ پ. ابزار تحقق بخشیدن به سایر حقوق بشر. آموزش فراگیر ابزاری است که با آن افراد دارای معلولیت می‌توانند خود را از فقر نجات دهند، ابزاری برای مشارکت کامل در جوامع خود بیابند و خود را در مقابل بهره‌مکشی دیگران مصون کنند.³ همچنین آموزش فراگیر ابزار اولیه دستیابی به جوامع فراگیر است؛ ت. نتیجه فرایند تعهد مداوم و فعالانه به رفع موانع حق بر آموزش به همراه تغییر در فرهنگ، سیاست و رویه‌های مدارس همگانی برای پذیرفتن و مشارکت دادن همه دانش‌آموزان.

۱۱. کمیته بر شناسایی تفاوت میان حذف کردن، تفکیک کردن، آموزش تلفیقی و آموزش فراگیر تاکید دارد. حذف کردن وقتی اتفاق می‌افتد که دانش‌آموزان به طور مستقیم یا غیرمستقیم از دسترسی به هر شکل از آموزش محروم می‌شوند. تفکیک وقتی است که آموزش دانش‌آموزان دارای معلولیت در محیط‌های جداگانه انجام می‌شود که برای یک یا چند معلولیت خاص طراحی شده و جدا از دانش‌آموزان بدون معلولیت است. تلفیق یعنی فرایند قرار دادن افراد دارای معلولیت در نهادهای آموزشی همگانی تا جایی که آنها بتوانند خود را با شرایط استاندارد این مراکز آموزشی تطبیق دهند.⁴ فراگیری یعنی فرایند نظام‌مند اصلاح، شامل تغییر و اصلاح محتوا، روش‌های آموزشی، رویکرد، ساختار و برنامه آموزش برای غلبه بر موانع، با این هدف که همه دانش‌آموزان در هر سنی از تجربه یادگیری منصفانه و مشارکتی برخوردار شوند و بهترین فضا برای شرایط و ترجیح‌های آنها فراهم شود. قرار دادن دانش‌آموزان دارای معلولیت در کلاس‌های همگانی بدون تغییرات ساختاری در سازمان، سرفصل‌ها و شیوه‌های آموزش و یادگیری، آموزش فراگیر به حساب نمی‌آید. به علاوه، تلفیق به خودی‌خود تضمین نمی‌کند که از تفکیک و آموزش استثنایی به آموزش فراگیر برسیم.

۱۲. ویژگی‌های اصلی آموزش فراگیر این موارد هستند:

(ا) تحول در کلیت نظام آموزشی: وزارتخانه‌های آموزش باید تضمین کنند که همه منابع در پیشبرد آموزش فراگیر و معرفی و ایجاد تغییرات لازم در فرهنگ سازمان آموزش کشور، سیاست‌ها و رویه‌ها سرمایه‌گذاری شود؛ (ب) ایجاد تحول در تمامی اجزای محیط آموزشی: تعهد مدیریت سازمان‌های آموزشی برای معرفی و ایجاد فرهنگ، سیاست‌ها و رویه‌های لازم برای رسیدن به آموزش فراگیر در همه سطوح و مناطق لازم است؛ از جمله تدریس و روابطی که در کلاس‌های درس برقرار می‌شود، جلسات مدیران، نظارت بر عملکرد معلمان، خدمات مشاوره و مراقبت پزشکی، اردوهای مدرسه، تخصیص منابع مالی، تعاملات والدین یادگیرندگان دارای معلولیت یا بدون معلولیت و در مواقع لازم تعامل با جامعه محلی یا عموم مردم؛

³ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر کلی شماره ۱۳ (۱۹۹۹) در مورد حق بر آموزش.

⁴ See A/HRC/25/29 and Corr. 1, para. 4, and United Nations Children's Fund (UNICEF), *The Right of Children with Disabilities to Education: a Rights-based Approach to Inclusive Education* (Geneva, 2012).

(پ) توجه به تمامیت فرد: پذیرفته شود که همه افراد توانایی یادگیری دارند و برای همه یادگیرندگان، از جمله یادگیرندگان دارای معلولیت، اهداف بلندپروازانه در نظر گرفته شود. در آموزش فراگیر، سرفصل‌ها و شیوه‌های آموزش و یادگیری منعطف است و با نقاط قوت و شرایط و شیوه یادگیری افراد تطبیق داده می‌شود. در این رویکرد پشتیبانی، امکانات متعارف و مداخله زودهنگام در نظر گرفته شده تا همه یادگیرندگان قادر به تحقق توانایی‌های بالقوه خود باشند. در این رویکرد، در زمان برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی به جای تمرکز بر محتوا، بر توانایی‌ها و تمایلات یادگیرندگان تمرکز می‌شود. هدف از آموزش فراگیر پایان دادن به تفکیک در فضای آموزشی است؛ این هدف از طریق آموزش فراگیر در فضاهای دسترسی‌پذیر آموزشی و حمایت‌های مناسب حاصل می‌شود. نظام آموزشی باید آموزش متناسب با ویژگی‌های فردی هر شخص ارائه دهد نه اینکه از دانش‌آموزان انتظار داشته باشد که خود را با سیستم آموزشی هماهنگ کند؛

(ت) حمایت از معلمان: همه معلمان و کارکنان بخش آموزش، از جمله معلمان دارای معلولیت باید آموزش و بازآموزی لازم را برای آشنایی با ارزش‌های اصلی و کسب توانایی‌های لازم برای تامین فضای فراگیر آموزشی دریافت کنند. فرهنگ فراگیر باعث ایجاد فضای دسترسی‌پذیر و حمایت‌گر می‌شود که در آن همکاری، تعامل و حل مساله ترویج می‌شود؛

(ث) ارزشمندی تنوع و احترام به آن: همه یادگیرندگان به طور مساوی مورد استقبال هستند و تنوع آنها صرفنظر از معلولیت، نژاد، رنگ، جنس، زبان، فرهنگ زبانی، دین، باورهای سیاسی و غیره، خاستگاه ملی، بومی، قومی یا اجتماعی، اموال، سن یا سایر موارد مورد احترام است. همه دانش‌آموزان باید احساس کنند ارزشمند و مورد احترام هستند، در جامعه خود جای دارند و شنیده می‌شوند. تدابیر موثر پیشگیری از سوءاستفاده و قلدری در نظر گرفته شده است. آموزش فراگیر مستلزم اتخاذ رویکرد فردمحور به دانش‌آموزان است.

(ج) فضای مناسب یادگیری: فضای فراگیر برای یادگیری یعنی فضای دسترسی‌پذیری که همه در آن احساس کنند ایمن و مورد حمایت هستند و انگیزه و امکان ابراز نظر دارند و بر مشارکت دادن دانش‌آموزان در ایجاد محیط مثبت در مدرسه تاکید زیادی می‌شود. همچنین در فضای فراگیر به نقش گروه همتایان در یادگیری، ایجاد ارتباط مثبت، دوستی و پذیرش اذعان می‌شود.

(چ) گذار موثر: یادگیرندگان دارای معلولیت برای تضمین گذار موثر از یادگیری در مدرسه به آموزش حرفه‌ای و عالی و در نهایت به محیط کار از حمایت برخوردارند. توانایی‌ها و اعتماد به نفس یادگیرندگان رشد می‌یابد و امکانات متعارف برای آنها فراهم است، با آنها در ارزیابی و امتحان‌ها به صورت برابر برخورد می‌شود و توانایی‌ها و دستاوردهای‌شان بر مبنای برابر با دیگران به رسمیت شناخته می‌شود؛

(ح) به رسمیت شناختن کارکرد همکاری‌ها: انجمن‌های معلمان، انجمن‌ها و فدراسیون‌های دانش‌آموزی، سازمان‌های افراد دارای معلولیت، هیات‌های مدرسه، انجمن‌های اولیا و مربیان و سایر گروه‌های رسمی و غیررسمی که کارکرد حمایتی حول محور مدرسه دارند تشویق می‌شوند که آگاهی و درک خود را از معلولیت بالا ببرند. مشارکت والدین و مراقبت‌کنندگان و جامعه ارزشمند است و به منابع و توان مدرسه کمک می‌کند. ارتباط میان فضای یادگیری و جامعه باید به عنوان راهی به سوی ایجاد جوامع فراگیر به رسمیت شناخته شود؛

(خ) نظارت: آموزش فراگیر به عنوان فرایندی مستمر باید مورد نظارت و ارزیابی مرتب قرار گیرد تا اطمینان حاصل گردد که تفکیک دانش‌آموزان دارای معلولیت یا نظام تلفیقی به صورت رسمی یا غیررسمی اتفاق نمی‌افتد. بر اساس ماده ۳۳ این نظارت باید با مشارکت افراد دارای معلولیت از جمله کودکان دارای معلولیت و افرادی که نیازمند مراقبت فراوان هستند از طریق سازمان‌های افراد دارای معلولیت و نیز در صورت لزوم والدین یا مراقبت‌کنندگان کودکان دارای معلولیت صورت گیرد. باید نماگرهای مربوط به معلولیت تدوین شوند و هماهنگ با برنامه توسعه پایدار ۲۰۳۰ مورد استفاده قرار گیرند.

۱۳. در راستای کنوانسیون منع تبعیض در آموزش یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل) و در اعمال بند ۱ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، دولت‌های عضو باید تضمین کنند که حق بر آموزش بدون تبعیض و بر مبنای برابری فرصت‌ها محقق می‌شود. دولت‌های عضو باید هر گونه تبعیض بر مبنای معلولیت را منع کنند و تضمین کنند همه افراد دارای معلولیت از حمایت برابر و موثر در برابر هر گونه تبعیض برخوردارند. اشخاص دارای معلولیت ممکن است مورد تبعیض چندجانبه بر مبنای معلولیت، جنسیت، دین، وضعیت حقوقی، خاستگاه بومی، سن، گرایش جنسی یا زبان قرار داشته باشند. به علاوه، والدین، برادران و خواهران و سایر وابستگان هم ممکن است به دلیل ارتباط با این افراد و بر مبنای معلولیت ایشان مورد تبعیض قرار گیرند. تدابیر لازم برای برخورد با اشکال تبعیض شامل تشخیص و رفع موانع حقوقی، فیزیکی، ارتباطی و زبانی، اجتماعی و نگرشی در سازمان‌های آموزشی و جامعه است. حق بر عدم تبعیض شامل حق بر جدا نکردن دانش‌آموزان دارای معلولیت از باقی دانش‌آموزان و تامین امکانات متعارف است و باید در سیاق تکلیف به تامین فضاهای آموزشی دسترسی‌پذیر و امکانات متعارف درک و تفسیر شود.

۱۴. جنگ مسلحانه، وضعیت‌های اضطراری انسانی و بلایای طبیعی به شکلی نامتناسب بر حق آموزش فراگیر تاثیر می‌گذارند. دولت‌های عضو باید برنامه‌های جامع کاهش خطر فجایع برای ایمنی و امنیت مدارس تدوین کنند که نیازها و شرایط یادگیرندگان دارای معلولیت را دربرگیرد. فضاهای موقتی آموزشی در شرایط اضطراری باید حق افراد دارای معلولیت، به ویژه کودکان دارای معلولیت بر آموزش برابر با دیگران را به رسمیت بشناسند. از جمله باید محتوای دسترسی‌پذیر آموزشی، امکانات دسترسی‌پذیر در مدرسه، مشاوره و دسترسی به آموزش به زبان اشاره محلی برای یادگیرندگان ناشنوا باید فراهم شود. بر اساس ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و با توجه به خطر فزاینده خشونت جنسی در شرایط اضطراری، باید تدابیری برای تضمین امنیت و دسترسی‌پذیری فضاهای یادگیری برای زنان و دختران دارای معلولیت در نظر گرفته شود. نباید به بهانه غیر ممکن بودن تخلیه دانش‌آموزان دارای معلولیت در شرایط اضطراری، دسترسی آنها به فضاهای آموزشی قطع شود بلکه باید امکانات متعارف برای تخلیه آنان در نظر گرفته شود.

۱۵. برای تحقق بخش «الف» بند ۱ ماده ۲۴ و در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک، آموزش باید متوجه رشد کامل توانایی انسان و حس ارزشمندی و داشتن شان و تقویت احترام به حقوق بشر و تنوع انسانی باشد. دولت‌های عضو باید تضمین کنند که آموزش مطابق با اهداف و غایات میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد، آن‌گونه که در ماده ۱ بیانیه جهانی آموزش برای همه (جامش تایلند)، کنوانسیون حقوق کودک (بند ۱ ماده ۲۹)، اعلامیه و برنامه عمل وین (بخش ۱، پاراگراف ۳۳ و بخش ۲، پاراگراف ۸۰) و برنامه عمل ده ساله ملل متحد برای آموزش حقوق بشر (ماده ۲) آمده است. این مواد و بندها عناصری دیگر مثل اشاره به برابری جنسیتی و احترام به محیط زیست را هم در بر دارند.^۵ تضمین حق بر آموزش هم به دسترسی‌پذیری مربوط است و هم به محتوا. تلاش‌ها باید در جهت حفظ طیف گسترده‌ای از ارزش‌ها از جمله درک و مدارا باشد.^۶ هدف آموزش فراگیر باید ترغیب احترام متقابل و ارزشمندی همه اشخاص و ایجاد فضاهای آموزشی باشد که در آنها رویکرد یادگیری، فرهنگ سازمانی آموزش و سرفصل‌های درسی، خود بازتاب ارزش تنوع باشند.

۱۶. در اجرای بخش «ب» بند ۱ ماده ۲۴، آموزش باید معطوف به پرورش شخصیت، استعدادها و خلاقیت افراد دارای معلولیت و توانایی‌های ذهنی، فیزیکی و ارتباطی آنها تا حد ممکن باشد. بسیاری مواقع، آموزش اشخاص دارای معلولیت با رویکردی ناقص و با تمرکز بر معلولیت واقعی یا فرضی افراد ارائه می‌شود و فرصت‌های یادگیری را بر مبنای

^۵ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر کلی شماره ۱۳.

^۶ کمیته حقوق کودک، تفسیر کلی شماره ۱ (۲۰۰۱) در مورد اهداف آموزش.

تصورات از پیش تعریف شده و منفی از قابلیت آنها محدود می‌کنند. دولت‌های عضو باید از ایجاد فرصت برای تقویت نقاط قوت و استعداد های خاص هر فرد دارای معلولیت حمایت کنند.

۱۷. برای تحقق بخش «پ» بند ۱ ماده ۲۴، هدف از آموزش افراد دارای معلولیت باید توانمندسازی آنها برای مشارکت کامل و موثر در یک جامعه آزاد باشد. کمیته حقوق افراد دارای معلولیت با یادآوری بند ۳ ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک تاکید دارد که باید به کودکان دارای معلولیت کمک شود تا دسترسی موثر به آموزش و شرایط برای تحقق ادغام کامل اجتماعی و رشد فردی آنها فراهم شود. دولت‌های عضو باید این موضوع را به رسمیت بشناسند که حمایت فردی و امکانات متعارف اولویت دارند و باید در تمام سطوح آموزش اجباری به صورت رایگان ارائه شوند.

۱۸. در اجرای بخش «الف» بند ۲ ماده ۲۴، حذف افراد دارای معلولیت از نظام آموزش عمومی باید ممنوع شود، چه از طریق قانون یا مقرراتی صورت گیرد که حضور ایشان را بر مبنای معلولیت یا میزان معلولیت ممنوع می‌کند (مثل مشروط کردن امکان حضور فرد دارای معلولیت به داشتن سطح خاصی از توانایی) و خواه از طریق ادعای تحمیل هزینه و بار نامتناسب یا بیش از حد بر نظام آموزشی برای فرار از انجام تکلیف به تامین امکانات متعارف. آموزش عمومی همه فضاهای آموزش همگانی و نهاد آموزشی کشور را شامل می‌شود. حذف مستقیم یعنی طبقه‌بندی بخشی از دانش‌آموزان به عنوان «غیرقابل آموزش» و در نتیجه اعلام آنها به عنوان افراد فاقد استحقاق برای دسترسی به آموزش. حذف غیرمستقیم یعنی تعیی لزوم موفقیت در یک آزمون مشترک به عنوان پیش‌شرط ورود به مدارس بدون تامین امکانات متعارف و کمک لازم برای شرکت در آزمون. همانطور که در بند (ب) ماده 4 کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت نیز پیشینی شده، تمامی قوانین و سیاست‌گذاری‌ها باید مورد بازنگری قرار گیرد تا اطمینان حاصل گردد که حاوی تبعیض علیه افراد دارای معلولیت و ناقض ماده 24 کنوانسیون نیستند و در صورت یافت شدن چنین مواردی، قوانین و سیاست‌های مزبور به شکلی سازمان‌یافته و در چارچوب زمانی مشخصی نسخ یا اصلاح شوند.

19. در اجرای بخش «ب» بند ۲ ماده ۲۴، افراد دارای معلولیت باید به آموزش با کیفیت و فراگیر در دوران ابتدایی و دبیرستان دسترسی داشته باشند و بتوانند به راحتی و بر مبنای برابر با دیگران در جامعه، از ابتدایی به دبیرستان بروند. در تحقق این تعهد دولت‌های عضو، کمیته حقوق افراد دارای معلولیت از نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیروی می‌کند که نظام آموزشی باید از چهار ویژگی برخوردار باشد که البته میان این چهار ویژگی ارتباط متقابل وجود دارد: موجود بودن، در دسترس بودن، قابل قبول بودن و منعطف بودن.⁷

۲۰. **موجود بودن.** نهادها و برنامه‌های عمومی و خصوصی آموزشی باید به تعداد کافی و کیفیت مناسب وجود داشته باشند. دولت‌های عضو باید تضمین کنند در سراسر جامعه و همه سطوح، فضاهای آموزشی به صورت گسترده برای یادگیرندگان دارای معلولیت موجود است.

۲۱. **در دسترس بودن.** در راستای ماده ۹ کنوانسیون و تفسیر کلی شماره ۲ کمیته (۲۰۱۴) در مورد دسترسی‌پذیری، نهادها و برنامه‌های آموزشی باید بدون تبعیض برای همگان در دسترس باشند؛ همه نظام آموزشی از جمله ساختمان‌ها، وسایل اطلاعات و ارتباطات (مثل وسایل کمک شنوایی)، سرفصل‌های درسی و مطالب آموزشی، شیوه‌های آموزشی، شیوه‌های ارزیابی، خدمات گفتاری و حمایتی باید دسترسی‌پذیر باشند. محیط دانش‌آموزان دارای معلولیت باید به شکلی طراحی شود که فراگیری را تسهیل کند و کیفیت آموزش آنان را تضمین کند.⁸ برای مثال سرویس رفت و آمد مدرسه، سرویس‌های بهداشتی و آب‌خوری، بوفه و فضاهای ورزشی مدارس باید فراگیر، در دسترس و ایمن باشند. دولت‌های

⁷ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر کلی شماره ۱۳.

⁸ کمیته حقوق افراد دارای معلولیت، تفسیر کلی شماره ۲.

عضو باید متعهد شوند به سرعت طراحی فراگیر را اعمال می‌کنند. دولت‌های عضو باید ساخت زیربنای آموزشی غیرقابل دسترس را ممنوع و مجازات کنند و سازوکار نظارتی موثری طراحی کنند که به طور زمان‌بندی شده همه فضاهای آموزشی موجود را قابل دسترس کند. همچنین هر جا که لازم باشد، دولت‌های عضو باید متعهد شوند امکانات متعارف تامین کنند. رویکرد طراحی جهانی منافاتی با تامین وسایل کمکی، ابزار و نرم‌افزارهای لازم برای یادگیرندگان دارای معلولیت ندارد. دسترسی‌پذیری مفهومی پویا است و اعمال آن نیاز به اصلاحات فنی و تقنینی ادواری دارد. دولت‌های عضو باید تضمین کنند فناوری‌های نوآورانه و جدیدی که برای پیشبرد یادگیری ایجاد می‌شوند برای همه دانش‌آموزان از جمله دانش‌آموزان دارای معلولیت در دسترس هستند.

۲۲. کمیته بر نبود کتاب‌های مرجع و مطالب آموزشی به اشکال و زبان‌های دسترسی‌پذیر، از جمله زبان اشاره، تاکید دارد. دولت‌های عضو باید در زمینه تدوین زمان‌بندی شده منابع چاپی با جوهر یا بریل و دیجیتال، با استفاده از فناوری نوآورانه تلاش کنند. همچنین دولت‌ها باید به تدوین استانداردها و اصول راهنمای تبدیل مطالب چاپی به اشکال و زبان‌های قابل دسترس بپردازند و دسترسی‌پذیری را به یکی از ابعاد اصلی خرید تجهیزات آموزش تبدیل کنند. کمیته ضرورت تصویب و اجرای هرچه سریع‌تر معاهده مراکش در زمینه تسهیل دسترسی افراد نابینا، کم‌بینا یا کسانی که به هر دلیل قادر به استفاده از متون چاپی نیستند را به دولت‌های عضو یادآوری می‌کند.

۲۳. لازمه دسترسی‌پذیری این است که هزینه آموزش در تمام سطوح برای دانش‌آموزان دارای معلولیت قابل پرداخت باشد. امکانات متعارف نباید هزینه‌های اضافی برای یادگیرندگان دارای معلولیت ایجاد کند. آموزش ابتدایی اجباری، با کیفیت، رایگان و قابل دسترس تعهدی فوری برای دولت‌های عضو است. دولت‌های عضو در راستای برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار باید به تدریج تدابیری در نظر گیرند که همه کودکان از جمله کودکان دارای معلولیت آموزش رایگان، منصفانه و با کیفیت متوسطه را به پایان برسانند و نیز تضمین کنند که همه زنان و مردان دارای معلولیت به آموزش مقرون بصره و با کیفیت در سطح آموزش عالی، فنی و حرفه‌ای، از جمله دانشگاه، و همچنین بازآموزی دسترسی داشته باشند. دولت‌های عضو باید تضمین کنند افراد دارای معلولیت بر مبنای برابر با دیگران به آموزش عمومی و خصوصی در نهادهای آکادمیک دسترسی دارند.

۲۴. **قابل قبول بودن.** قابل قبول بودن یعنی تعهد به طراحی و اجرای همه امکانات، کالا و خدمات آموزشی با توجه و احترام به شرایط، فرهنگ‌ها، نگرش‌ها و زبان‌های افراد دارای معلولیت. شکل و محتوای آموزش ارائه شده باید برای همه قابل قبول باشد. دولت‌های عضو باید اقدامات ایجابی در پیش گیرند که تضمین شود آموزش همه با کیفیت است.^۹ فراگیری و کیفیت ارتباط متقابل دارند: رویکرد فراگیر می‌تواند کمک زیادی به کیفیت آموزش بکند.

۲۵. **منعطف بودن.** کمیته دولت‌های عضو را تشویق می‌کند که طراحی فراگیر برای یادگیری (یو دی ال) (UDL) را بپذیرند و اجرا کنند. طراحی فراگیر برای یادگیری عبارت است از مجموعه‌ای از اصول که ساختاری را در اختیار معلمان و سایر کارکنان آموزشی قرار می‌دهند تا بتوانند به کمک آن فضاهای آموزشی منعطف ایجاد کند و دستورالعمل‌هایی را برای برآوردن نیازهای مختلف همه یادگیرندگان به وجود آورند. در این طراحی توجه می‌شود که هر دانش‌آموز به شیوه خاص خود یاد می‌گیرد و از این رو در آن راه‌های منعطفی برای یادگیری، ایجاد فضای کلاسی فعال و مشارکتی، ایجاد انتظارات بالا از همه دانش‌آموزان در عین دادن فضا برای برآوردن این انتظارات، دادن قدرت به معلمان برای نگاه متفاوت به روش‌های تدریس خود و تمرکز بر نتایج آموزشی همه از جمله افراد دارای معلولیت در نظر گرفته می‌شود. سرفصل‌های درسی باید طوری برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا شوند که وضعیت هر دانش‌آموز را در

^۹ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر کلی شماره ۱۳

نظر داشته باشند، متناسب با آن باشند و روش‌های آموزشی مناسبی در برداشته باشند. ارزیابی پیشرفت فردی در دستیابی به اهداف متنوع از راه‌های جایگزین آموزشی و اشکال منعطف و مختلف ارزیابی باید جای ارزیابی استاندارد را بگیرند.

۲۶. در راستای بخش «ب» بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیون، افراد دارای معلولیت باید بتوانند در مدارس ابتدایی و متوسطه محل سکونت خود آموزش ببینند. دانش‌آموزان نباید ناچار به طی مسیرهای طولانی از خانه تا مدرسه شوند. فضای آموزشی باید در دسترس فیزیکی و ایمن افراد دارای معلولیت باشد و وسایل رفت و آمد ایمن و امن فراهم باشد یا به جای آن فضای آموزشی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات در دسترس قرار گیرد. اما دولت‌های عضو نباید صرفاً بر فناوری اطلاعات و ارتباطات به جای مشارکت مستقیم دانش‌آموزان دارای معلولیت و تعامل با معلمان و افراد الگو در محیط آموزشی تکیه کنند. مشارکت فعالانه با سایر دانش‌آموزان از جمله خواهران و برادران یادگیرندگان دارای معلولیت یکی از عناصر مهم حق بر آموزش فراگیر است.

۲۷. در راستای بخش «پ» بند ۲ ماده ۲۴، دولت‌های عضو باید برای ایجاد دسترسی هر دانش‌آموز به آموزش بر مبنای برابری با دیگران امکانات متعارف در نظر گیرد. تشخیص «متعارف بودن» امکانات مورد درخواست در نتیجه بررسی سیاق هر مورد و با تحلیل میزان مرتبط و موثر بودن امکانات مزبور در تحقق رفع تبعیض مشخص می‌شود. در تعیین این که آیا تامین امکانات مورد درخواست، بار نامتناسبی را به نظام آموزشی تحمیل می‌کند یا خیر به موجود بودن منابع و پیامدهای مالی توجه می‌شود. وظیفه تامین امکانات متعارف از لحظه درخواست امکانات قابل الزام است.¹⁰ سیاست‌های تعهد به تامین امکانات متعارف باید در همه سطوح آموزش و در همه سطوح ملی، محلی و نهادهای آموزشی پیشبینی شوند. میزان تامین امکانات متعارف باید در پرتوی تعهد کلی به ایجاد نظام آموزشی فراگیر، افزایش استفاده از منابع موجود و ایجاد منابع جدید در نظر گرفته شوند. توسل به نبود منابع و بحران مالی برای توجیه کوتاهی در حرکت به سمت آموزش فراگیر نقض ماده ۲۴ کنوانسیون به حساب می‌آید.

۲۸. کمیته دوباره بر تمایز میان تعهد کلی دولت به تامین دسترسی و تعهد به تامین امکانات متعارف تاکید می‌کند.¹¹ دسترسی‌پذیری مجموعه‌ای از استانداردها است که به تدریج به اجرا درآمده و گروه‌های مختلف مردم از تحقق آن منتفع می‌شوند. نمی‌توان برای کوتاهی در تامین دسترسی‌پذیری به عدم رعایت اصل تناسب یا فشار نامتناسب استناد کرد. تعهد به تامین امکانات متعارف به یک فرد خاص مربوط می‌شود و مکمل تعهد به دسترسی‌پذیری است. فرد قانوناً حق دارد درخواست تامین امکانات متعارف بکند حتی اگر دولت مورد نظر به تعهد خود به تامین دسترسی‌پذیری عمل کرده باشد.

۲۹. تعریف آنچه متناسب است لزوماً بسته به اوضاع و احوال خاص هر مورد متفاوت خواهد بود. موجود بودن امکانات باید با توجه به منابع آموزشی موجود در نظام آموزشی به معنای گسترده آن در نظر گرفته شود و نه نسبت به منابع موجود در نهاد آموزشی مورد نظر؛ جابجایی منابع در خود سیستم باید ممکن باشد. هیچ «نسخه همگانی» برای امکانات متعارف وجود ندارد چون دانش‌آموزان مختلف با معلولیت یکسان ممکن است به امکانات متفاوتی احتیاج داشته باشند. امکانات ممکن است از این قبیل باشند: تغییر محل کلاس؛ تامین اشکال متفاوت ارتباطات در کلاس؛ ارائه مطالب به صورت چاپ درشت یا به صورت علائم زبان اشاره، یا تهیه جزوات کلاسی در قالب‌های جایگزین؛ فراهم آوردن حضور فردی برای یادداشت برداشتن یا مترجم زبان اشاره یا اجازه به دانش‌آموز برای استفاده از فناوری‌های کمک آموزشی در یادگیری یا در ارزیابی‌ها. تامین امکانات غیرمادی مثل دادن زمان بیشتر به دانش‌آموز، کاهش سطح صدای محیط (به دلیل وجود حساسیت به صداها پس‌زمینه)، استفاده از روش‌های ارزیابی جایگزین و جایگزین کردن بخشی از سرفصل نیز باید در نظر گرفته شوند. برای اینکه مطمئن شویم امکانات با شرایط، خواست، ترجیح و انتخاب دانش‌آموزان متناسب

¹⁰ کمیته حقوق افراد دارای معلولیت، تفسیر کلی شماره ۲

¹¹ همان

است و نهاد تامین‌کننده می‌تواند امکانات را اجرا کند، باید مقامات و دست‌اندرکاران آموزشی، نهاد آموزشی، دانش‌آموزان دارای معلولیت، و بسته به سن و توانایی دانش‌آموزان و مناسب بودن، والدین و مراقبت‌کنندگان یا سایر اعضای خانواده آنها با هم گفتگو کنند. تامین امکانات متعارف نباید منوط به تشخیص پزشکی معلولیت باشد و در عوض باید بر ارزیابی موانع اجتماعی موجود در راه برخورداری از آموزش مبتنی باشد.

۳۰. تامین نکردن امکانات متعارف مصداق تبعیض است و تکلیف به تامین امکانات متعارف فوراً قابل اعمال است و مشمول اجرای تدریجی نمی‌شود. دولت‌های عضو باید تضمین کنند سیستم‌های مستقلی وجود دارد که بر مناسب و موثر بودن امکانات نظارت می‌کنند و سازوکارهای در دسترس و به موقع و ایمنی برای جبران خسارت دانش‌آموزان، و در صورت لزوم خانواده‌های آنها وجود دارد و در این سازوکارها بررسی می‌شود که امکانات به اندازه کافی تامین شده یا فرد و خانواده مورد تبعیض بوده‌اند یا خیر. باید تدابیری در نظر گرفته شود که از قربانیان تبعیض در برابر قربانی شدن دوباره در فرایند جبران خسارت حفاظت کند.

۳۱. بخش «ت» بند ۲ ماده ۲۴ تاکید می‌کند که دانش‌آموزان دارای معلولیت مستحق دریافت کمک‌هایی هستند که برای تسهیل آموزش موثر نیاز دارند و آنها را قادر می‌کند پتانسیل خود را بر مبنای برابر با دیگران به تحقق درآورند. این کمک یعنی موجود بودن خدمات و تجهیزات در نظام آموزشی که تضمین کند دانش‌آموزان دارای معلولیت می‌توانند پتانسیل‌های خود را تا حد اکثر ممکن به تحقق درآورند، از جمله تامین آموزش‌گران، مشاوران مدارس، روانشناسان و سایر کارشناسان سلامت و خدمات اجتماعی آموزش‌دیده به تعداد کافی و دسترسی به کمک‌هزینه تحصیلی و منابع مالی.

۳۲. برای تحقق بخش «ث» بند ۲ ماده ۲۴ باید کمک مستمر و شخصی به طور مستقیم تامین شود. کمیته بر نیاز به تدوین یک برنامه شخصی آموزشی برای هر دانش‌آموز دارای معلولیت تاکید دارد که در آن امکانات متعارف و کمک ویژه هر دانش‌آموز معین می‌شود، از جمله تامین ابزارهای کمکی، مطالب آموزشی خاص در قالب‌های دسترسی‌پذیر/متفاوت، روش‌ها و ابزار ارتباطی، وسایل کمکی و فناوری اطلاعات و کمکی. همچنین کمک می‌تواند به شکل فراهم آوردن دستیار یادگیری، به صورت فردی یا مشترک بین چند نفر، بسته به شرایط دانش‌آموز باشد. در برنامه‌های آموزشی شخصی‌سازی شده باید برای گذار یادگیرندگان که از محیط‌های آموزشی تفکیکی به محیط‌های همگانی می‌آیند و آنانی که از مرحله‌ای به مرحله دیگر می‌روند، برنامه‌هایی در نظر گرفته شود. اثرگذاری چنین برنامه‌هایی باید با دخالت مستقیم یادگیرنده به طور مرتب ارزیابی و نظارت شود. شکل تامین این کمک باید در مشورت با دانش‌آموز و در جایی که مناسب است، در مشورت با والدین، مراقبت‌کنندگان و اشخاص ثالث تعیین شود. یادگیرنده باید به سازوکارهای جبرانی در صورت ارائه نشدن یا ناکافی بودن کمک مورد نظر دسترسی داشته باشد.

۳۳. همه تدابیر کمکی باید مطابق با هدف فراگیری باشد. از این‌رو، تدابیر باید طوری طراحی شوند که دانش‌آموزان دارای معلولیت را به حاشیه نبرند و فرصت‌های شرکت در کلاس و حضور آنان در فعالیت‌های فوق برنامه در کنار هم‌کلاسی‌ها را تسهیل کنند.

۳۴. در رابطه با بند ۳ ماده ۲۴، بسیاری دولت‌های عضو در آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجتماعی و زبانی لازم برای مشارکت در فضای آموزشی و محیط اطراف برای افراد دارای معلولیت کوتاهی می‌کنند، به ویژه برای افراد طیف اوتیسم، افراد دارای معلولیت ارتباطی و افراد با معلولیت‌های حسی:

(ا) باید برای دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا فرصت‌های یادگیری بریل، خط جایگزین [alternative script]، ابزار و اشکال ارتباطی جایگزین، و نیز آموزش تحرک و جهت‌یابی فراهم شود. باید از سرمایه‌گذاری در دسترسی به فناوری‌های مناسب و سیستم‌های ارتباطی جایگزین برای تسهیل یادگیری حمایت شود. برنامه‌های کمک هم‌کلاسی‌ها و راهنمایی باید معرفی و تشویق شوند؛

(ب) باید برای دانش‌آموزان ناشنوا و کم‌شنوا فرصت یادگیری زبان اشاره فراهم شود و اقدامات لازم برای به رسمیت شناختن و ارتقاء هویت زبانی جامعه ناشنوایان انجام شود. کمیته توجه دولت‌های عضو را به کنوانسیون منع تبعیض در آموزش یونسکو جلب می‌کند که در آن حق کودکان بر آموزش به زبان خود به رسمیت شناخته شده است. کمیته به دولت‌های عضو یادآوری می‌کند که در راستای بند ۴ ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، این افراد مستحق هستند هویت فرهنگی و زبانی‌شان، بر مبنای برابر با دیگران، شناسایی و حمایت شود، از جمله فرهنگ و زبان‌های اشاره. همچنین دانش‌آموزان کم‌شنوا باید به خدمات با کیفیت گفتاردرمانی، فناوری تقویت و ارسال صوت به سمعک افراد و تبدیل گفتار به نوشتار یا کپشن دسترسی داشته باشند؛

(پ) برای هر دانش‌آموز نابینا، ناشنوا و نابینا-ناشنوا، آموزش باید به مناسب‌ترین شکل زبان و وسیله و ابزار ارتباطی برای هر فرد تامین شود و به صورتی باشد که پیشرفت شخصی، علمی و اجتماعی در مدرسه و خارج از آن را فراهم می‌آورد. کمیته تاکید می‌کند برای داشتن چنین محیط‌های فراگیری، دولت‌های عضو باید حمایت لازم را از جمله از طریق منابع، فناوری‌های کمکی و مهارت‌های تحرک و جهت‌یابی فراهم کنند؛

(ت) باید برای یادگیرندگان دارای معلولیت‌های ارتباطی، فرصت ابراز و یادگیری از طریق راه‌های ارتباطی جایگزین یا تقویتی فراهم شود. این راه‌ها می‌تواند شامل تامین زبان اشاره، وسایل کمک-ارتباطی با فناوری پیچیده یا ساده مثل تبلت‌های دارای خروجی گویا، وسایل کمکی گویا یا کتاب‌های ارتباطی باشد. دولت‌های عضو باید در بهبود تخصص، فناوری و خدمات مربوطه سرمایه‌گذاری کنند تا دسترسی به فناوری‌ها و سیستم‌های ارتباطی جایگزین را برای تسهیل یادگیری ترویج دهند؛

(ث) یادگیرندگان دارای مشکلات ارتباطی-اجتماعی باید از طریق تغییرات ساختار کلاس مثل کار در گروه‌های دو نفره، کمک هم‌کلاسی‌ها، نشستن نزدیک به معلم و ایجاد محیط قابل پیش‌بینی و نظام‌یافته حمایت شوند؛

(ج) برای یادگیرندگان دارای معلولیت ذهنی باید مطالب به صورت روشن، قابل مشاهده/تصویری و ساده‌شده ارائه شود و یادگیری در محیطی امن و ساکت و سازمان‌یافته فراهم شود. آموزش افراد با معلولیت ذهنی باید توانایی‌هایی را هدف گیرد که دانش‌آموزان را به بهترین شکل برای زندگی مستقل و فعالیت حرفه‌ای آماده سازد. دولت‌های عضو باید در ایجاد کلاس‌های فراگیر و تعاملی سرمایه‌گذاری کنند که در آنها از برنامه‌های کمکی و روش‌های ارزیابی جایگزین استفاده می‌شود.

۳۵. برای تحقق بند ۴ ماده ۲۴، دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای بکارگیری افراد برخوردار از مهارت‌های لازم برای فعالیت موثر در محیط‌های آموزش فراگیر در سمت‌های اداری، آموزشی و غیرآموزشی اتخاذ کنند. این افراد باید توانایی استفاده از زبان اشاره و/یا خط بریل را داشته باشند و با مهارت‌های تحرک و جهت‌یابی‌آشنا باشند. داشتن تعداد کافی کارکنان شایسته و متعهد در مدرسه کلید ایجاد و پایداری آموزش فراگیر است. نبود درک و ظرفیت لازم، همچنان یکی از موانع مهم آموزش فراگیر است. دولت‌های عضو باید اطمینان حاصل کنند که همه معلمان در زمینه آموزش فراگیر آموزش دیده‌اند و این آموزش مبتنی بر الگوی حقوق بشری معلولیت بوده است.

۳۶. دولت‌های عضو باید در جذب و حمایت از آموزش مداوم معلمان دارای معلولیت سرمایه‌گذاری کنند. این یعنی رفع هر مانع قانونی یا سیاست‌گذاری که از داوطلبان حرفه معلمی بخواهد شرایط خاص پزشکی داشته باشند و نیز لزوم تامین امکانات متعارف برای مشارکت ایشان به عنوان معلم در کلاس درس. حضور افراد دارای معلولیت حقوق برابر آنها را برای ورود به حرفه معلمی محقق می‌سازد و تخصص و مهارت‌های منحصر بفرد معلمان دارای معلولیت را وارد محیط‌های یادگیری می‌کند، همچنین به شکستن موانع کمک می‌کند و خود این معلمان به عنوان الگو عمل خواهند کرد.

۳۷. برای اجرای بند ۵ ماده ۲۴، دولت‌های عضو باید تضمین کنند افراد دارای معلولیت از امکان دسترسی به آموزش عالی عمومی، آموزش‌های حرفه‌ای، آموزش برای افراد بزرگسال و یادگیری در طول زندگی بدون تبعیض و بر مبنای

برابر با دیگران برخوردارند. موانع نگرشی، فیزیکی، زبانی، ارتباطی، مالی، حقوقی و غیره بر آموزش در این سطوح باید تشخیص داده شوند و رفع شوند تا دسترسی برابر تضمین شود. امکانات متعارف نیز باید تامین شود تا تضمین کند افراد دارای معلولیت با تبعیض روبرو نیستند. دولت‌های عضو باید به تدابیر عملی ایجابی به نفع افراد دارای معلولیت در آموزش عالی توجه کنند.

سوم. تعهدات دولت‌های عضو

۳۸. دولت‌های عضو باید به هر یک از ویژگی‌های اساسی حق بر آموزش فراگیر احترام گذارند، از آن صیانت کنند و آن را محقق سازند: موجود بودن، در دسترس بودن، قابل قبول بودن و منعطف بودن. تعهد به احترام نیازمند اجتناب از هر اقدامی است که مانع بهرمندی از این حق می‌شود مثل قانونی که کودکان دارای برخی معلولیت‌ها را از آموزش محروم می‌کند یا حق بر رعایت دسترسی‌پذیری یا تامین امکانات متعارف را سلب می‌کند. تعهد به صیانت نیازمند تدابیری برای پیشگیری از مداخله اشخاص ثالث در بهرمندی از این حق است، مثلا والدینی که دختران دارای معلولیت خود را به مدرسه نمی‌فرستند یا نهادهای خصوصی که از ثبت‌نام افراد دارای معلولیت به خاطر معلولیت‌شان امتناع می‌کنند. تعهد به ایفا یا محقق ساختن حق یعنی اتخاذ تدابیری که افراد دارای معلولیت را قادر سازد و به آنها کمک کند از حق بر آموزش بهره‌مند شوند، یعنی مثلا تضمین اینکه نهادهای آموزشی دسترس‌پذیر باشند و نظام‌های آموزشی به شکل مناسبی با منابع و خدمات آموزش فراگیر تطبیق یافته باشند.

۳۹. بند ۲ ماده ۴ دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به اندازه حداقل میزان منابع موجود و در جایی که لازم باشد در چارچوب مشارکت بین‌المللی با هدف تحقق تدریجی و کامل این حقوق اقدام کنند. تحقق تدریجی یعنی دولت‌های عضو یک تعهد خاص و دائمی بر عهده دارند تا با حداکثر سرعت و کارایی ممکن به سمت تحقق کامل ماده ۲۴ حرکت کنند.^{۱۲} این وضعیت با تداوم دو نظام آموزشی یعنی نظام آموزشی همگانی و نظام آموزشی استثنایی/تفکیک شده در کنار هم همخوان نیست. تحقق تدریجی باید در رابطه با هدف کلی کنوانسیون در ایجاد تعهدات روشن برای دولت‌های عضو در رابطه با تحقق کامل حقوق مذکور تفسیر شود. به همین شکل، دولت‌های عضو تشویق می‌شوند تخصیص بودجه آموزشی خود را بازتعریف کنند از جمله از طریق انتقال بخشی از بودجه به توسعه آموزش فراگیر. هیچ برنامه عمده قهقریایی یا رو به عقب نباید یادگیرندگان دارای معلولیت را به شکلی نامتناسب هدف قرار دهد.^{۱۳} چنین اقداماتی فقط می‌تواند موقتی و محدود به دوره بحرانی باشد، لازم و متناسب باشد، غیرتبعیض‌آمیز باشد و راه‌هایی برای جبران نابرابری ایجاد شده ضمن آن تعبیه شده باشد.^{۱۴}

۴۰. تحقق تدریجی بر آن تعهداتی که فوراً قابل اجرا هستند تأثیر منفی نمی‌گذارد. همانطور که کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر کلی شماره ۳ (۱۹۹۰) درباره ماهیت تعهدات دولت‌های عضو آورده است، دولت‌های عضو در حداقلی‌ترین حالت، این تعهد اصلی را دارند که پایین‌ترین سطح ضروری هر جنبه از حق بر آموزش را تضمین کنند.^{۱۵} بنابراین دولت‌های عضو باید حقوق اصلی را که در ادامه می‌آیند، فوراً به اجرا درآورند:

(ا) عدم تبعیض در تمام ابعاد آموزش و توجه به همه مبانی تبعیض که در سطح بین‌المللی ممنوعه دانسته می‌شوند. دولت‌های عضو باید تضمین کنند افراد دارای معلولیت از آموزش حذف نمی‌شوند و موانع ساختاری تحقق مشارکت موثر و برابر ایشان را رفع کنند. دولت‌های عضو باید به سرعت برای رفع تمام اشکال تبعیض حقوقی، اداری و غیره بر حق

^{۱۲} نک. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر کلی شماره ۳ (۱۹۹۰) درباره ماهیت تعهدات دولت‌های عضو، بند ۹.

^{۱۳} همان

^{۱۴} نامه ۱۶ می ۲۰۱۲ ریاست کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خطاب به دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

^{۱۵} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر کلی شماره ۳.

بر دسترسی به آموزش فراگیر اقدام کنند. تصویب اقدامات مثبت اگر منجر به حفظ معیارهای نابرابر یا جداگانه برای گروه‌های مختلف نشود، نقض حق بر عدم تبعیض در رابطه با آموزش به حساب نمی‌آیند؛

(ب) امکانات متعارف برای تضمین محروم نشدن افراد دارای معلولیت از آموزش. کوتاهی در تامین امکانات متعارف یعنی اعمال تبعیض بر مبنای معلولیت؛

(پ) آموزش اجباری و رایگان ابتدایی برای همه. دولت‌های عضو باید همه تدابیر مناسب را برای تضمین این حق بر اساس فراگیری همه کودکان و نوجوانان دارای معلولیت اتخاذ کنند. کمیته دولت‌های عضو را دعوت می‌کند دسترسی و تکمیل آموزش با کیفیت را برای همه کودکان و نوجوانان دست‌کم تا ۱۲ سال به صورت رایگان و از بودجه عمومی تضمین کنند؛ این آموزش باید در سطح ابتدایی و متوسطه فراگیر و با کیفیت باشد و دست‌کم ۹ سال از آن اجباری باشد همچنین دسترسی به آموزش باکیفیت برای کودکان و جوانان بازمانده از تحصیل به اشکال مختلف همانطور که در چارچوب برنامه ۲۰۳۰ برای آموزش آمده است فراهم گردد.

دولت‌های عضو باید برنامه ملی آموزشی تصویب و اجرا کنند که موادی از آن در مورد تامین آموزش در همه سطوح و برای همه یادگیرندگان بر مبنای فراگیری و برابری فرصت‌ها باشد. اهداف آموزشی بند ۱ ماده ۲۴ تعهدات مشابهی برای دولت‌های عضو ایجاد می‌کند و به همین دلیل باید از لحاظ فوریت اجرا همانند این تعهدات باشد.

۴۱. در رابطه با همکاری بین‌المللی و در راستای هدف ۴ توسعه پایدار و برنامه عمل آموزش ۲۰۳۰ همه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه باید با هدف پیش‌برد آموزش فراگیر و منصفانه و ترویج فرصت‌های یادگیری در تمام زندگی برای همگان باشد، از جمله حمایت از ظرفیت‌سازی، تبادل اطلاعات و تجربه‌های موفق، تحقیق، کمک فنی و اقتصادی و دسترسی به فناوری‌های کمکی و دسترسی‌پذیر. همه اطلاعات جمع‌آوری شده و همه کمک‌های بین‌المللی در زمینه آموزش باید بر مبنای معلولیت تفکیک شوند. ایجاد سازوکار بین‌المللی هماهنگ در زمینه آموزش فراگیر در اجرای هدف ۴ و ایجاد سیستم مستندسازی نحوه اجرای آموزش فراگیر به گفتگوی بهتر در زمینه سیاست‌گذاری آموزشی و نظارت بر پیشرفت کمک می‌کند.

چهارم. ارتباط با سایر مواد کنوانسیون

۴۲. دولت‌های عضو باید تفکیک‌ناپذیری و وابستگی متقابل همه حقوق بشر را به رسمیت بشناسند. آموزش، بخش جدایی‌ناپذیر تحقق کامل و موثر حقوق دیگر است.^{۱۶} در مقابل، حق بر آموزش فراگیر تنها وقتی تحقق می‌یابد که برخی حقوق مشخص دیگر اجرا شوند. به علاوه، حق بر آموزش فراگیر باید با ایجاد محیط فراگیر در کل جامعه استحکام یابد و این نیاز به پذیرش الگوی حقوق بشری معلولیت دارد. در این الگو تکلیف به رفع موانع اجتماعی که منجر به حذف و به حاشیه راندن افراد دارای معلولیت می‌شود به رسمیت شناخته شده و تدابیری برای تضمین اجرای حقوقی که در ادامه می‌آیند در نظر گرفته می‌شود.

۴۳. در ماده ۵ اصل حمایت برابر از همه اشخاص در برابر و در پیشگاه قانون به رسمیت شناخته شده است. دولت‌های عضو باید همه انواع تبعیض بر مبنای معلولیت را ممنوع کنند و در قبال تبعیض در هر زمینه‌ای، حمایتی موثر و برابر از افراد دارای معلولیت به عمل آورند. برای پرداختن به تبعیض نظام‌مند و ساختاری و برای تضمین «انتفاع برابر همه افراد از حمایت قانون»، دولت‌های عضو باید اقداماتی مثبت مثل رفع موانع شهرسازی یا موانع ارتباطی و غیره در فضاهای آموزش همگانی در پیش گیرند.

¹⁶ همان. تفسیر کلی شماره ۱۱ (۱۹۹۹) درباره برنامه‌های عمل در زمینه آموزش ابتدایی و تفسیر کلی شماره ۱۳.

۴۴. در ماده ۶ این موضوع به رسمیت شناخته شده که زنان و دختران دارای معلولیت مورد تبعیض مضاعف هستند و دولت‌های عضو باید تدابیری برای تضمین بهرمندی برابر آنان از حقوق‌شان در نظر گیرد. تبعیض میان‌برشی و حذف زنان و دختران دارای معلولیت، موانع عمده‌ای را بر سر راه تحقق حق بر آموزش آنها قرار می‌دهد. دولت‌های عضو باید این موانع را شناسایی و رفع کنند؛ از جمله این موانع خشونت جنسیت محور و ارزشمند نبودن آموزش زنان و دختران است. همچنین دولت‌های عضو باید تدابیر ویژه‌ای در نظر گیرند که تضمین کند تبعیض جنسیتی و/یا تبعیض بر مبنای معلولیت، و یا وجود تعصب یا ننگ مانع حق بر آموزش زنان و دختران نمی‌شود. باید در کتب و سرفصل‌های درسی با کلیشه‌های آسیب‌زای جنسیتی و/یا مبتنی بر معلولیت مبارزه شود. آموزش نقش مهمی در مبارزه با مفاهیم سنتی جنسیتی دارد که موجب تقویت چارچوب‌های پدرسالارانه یا اقتدارگرایانه در جامعه شده‌اند.¹⁷ دولت‌های عضو باید دسترسی و ماندن زنان و دختران دارای معلولیت را در بخش آموزش و خدمات توانبخشی تضمین کنند؛ زیرا آموزش و توانبخشی ابزارهایی برای رشد، پیشرفت و توانمندسازی زنان است.

۴۵. در ماده ۷ آمده در تمام اقدامات مربوط به کودکان دارای معلولیت مصالح عالی کودک باید در اولویت باشد. هدف از مفهوم «مصالح عالی» تضمین بهرمندی کامل و موثر کودک از همه حقوق بشر و رشد همه جانبه کودک است.¹⁸ تعیین مصالح عالی کودک دارای معلولیت باید با توجه به دیدگاه و هویت فردی خود کودک، حفظ خانواده، مراقبت، حفاظت و ایمنی کودک، موارد آسیب‌پذیری احتمالی او و حق او بر سلامت و آموزش باشد. در کنوانسیون حقوق کودک تاکید شده که مصالح عالی کودک باید مبنای سیاست‌ها و مقررات آموزشی باشد. در بند ۳ ماده ۷ آمده کودکان دارای معلولیت حق دارند دیدگاه خود را ابراز کنند و مانند دیگر کودکان، با توجه به سن و بلوغ، باید نظرشان در تمام مسائلی که بر آنها تاثیر می‌گذارد لحاظ شود و باید از کمک مناسب سن و معلولیت خود برخوردار باشند. تضمین حق کودکان بر مشارکت در آموزش باید برای کودکان دارای معلولیت نیز در برنامه‌های آموزشی و یادگیری شخصی‌سازی شده آنها، شیوه تعلیم و تربیت کلاسی، در شورای مدرسه، تدوین سیاست‌ها و سیستم‌های مدرسه و در سیاست‌گذاری کلی آموزشی تامین شود.¹⁹

۴۶. در ماده ۸ به تدابیر آگاهی‌بخشی و به چالش کشیدن کلیشه‌ها، تعصبات و رویه‌های آسیب‌زای مربوط به افراد دارای معلولیت اشاره شده که به ویژه بر زنان و دختران دارای معلولیت، افراد دارای معلولیت ذهنی و افراد نیازمند سطح بالای حمایت اثر می‌گذارد. کلیشه‌ها، تعصبات و رویه‌های آسیب‌زا موانعی هستند که هم دسترسی به یادگیری در نظام آموزشی و هم برخورداری از آموزش موثر را مختل می‌کنند. کمیته توجه کرده که برخی والدین کودکان فاقد معلولیت خود را از مدارس فراگیر خارج می‌کنند چون درک و آگاهی از ماهیت معلولیت وجود ندارد. دولت‌های عضو باید تدابیری در پیش گیرند که فرهنگ تنوع، مشارکت و حضور در زندگی اجتماعی را ایجاد کند و بر آموزش فراگیر به عنوان ابزار رسیدن به آموزش با کیفیت برای همه دانش‌آموزان دارای معلولیت یا بدون معلولیت، والدین، معلمان و مدیران و جامعه تاکید کند. دولت‌های عضو باید تضمین کنند سازوکارهایی وجود دارد که در تمام سطوح نظام آموزش و میان والدین و عموم مردم نگرش محترمانه به حقوق افراد دارای معلولیت ایجاد می‌کند. جامعه مدنی و به ویژه سازمان‌های نماینده افراد دارای معلولیت باید در تمام فعالیت‌های آگاهی‌بخشی همکاری داشته باشند.

۴۷. ماده ۹ و ۲۴ ارتباط نزدیکی با هم دارند. دسترسی‌پذیری پیش‌شرط مشارکت کامل و برابر افراد دارای معلولیت در جامعه است. افراد دارای معلولیت بدون وجود محیط دسترسی‌پذیر مثل مدارس و مکان‌های آموزشی و سیستم حمل و نقل، خدمات، فناوری اطلاعات و ارتباطات دسترسی‌پذیر نمی‌توانند از حق بر آموزش فراگیر بهره‌مند شوند. شیوه‌ها و ابزار آموزش باید دسترسی‌پذیر باشند و آموزش در محیط دسترسی‌پذیر انجام شود. کل محیطی که دانش‌آموزان دارای معلولیت

¹⁷ کمیته رفع تبعیض علیه زنان، «جستاری بر پیش‌نویس تفسیر کلی بر حق دختران/زنان بر آموزش» (۲۰۱۴).

¹⁸ کمیته حقوق کودک، تفسیر کلی شماره ۱۴ (۲۰۱۳) درباره حق کودک بر اولویت داشتن مصالح عالی او.

¹⁹ همان، تفسیر کلی شماره ۱۲ (۲۰۰۹) درباره حق کودک برای شنیده شدن.

در آن آموزش می‌بینند باید طوری طراحی شود که زمینه ایجاد جامعه فراگیر را فراهم کند. به علاوه، آموزش فراگیر ابزار قدرتمند ترویج طراحی فراگیر و دسترسی‌پذیری است.

48. کمیته توجه دولت‌های عضو را به تفسیر کلی شماره ۱ (۲۰۱۴) خود درباره شناسایی برابر در پیشگاه قانون جلب می‌کند و تاکید می‌کند که آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان دارای معلولیت، به ویژه معلولیت ذهنی یا روان، فرصت بیان خواست و تمایل‌شان را فراهم می‌کند. دولت‌های عضو باید تضمین کنند آموزش فراگیر با تامین حمایت لازم در تمام سطوح آموزشی، مثل کاستن از شرایط لازم برای برخورداری از حمایت، به همه دانش‌آموزان دارای معلولیت کمک می‌کند تا اعتماد به نفس کافی برای اعمال اهلیت قانونی خود رابه دست آورند.

49. ممکن است افراد دارای معلولیت، به ویژه زنان و دختران دارای معلولیت، بیش از دیگران قربانی خشونت و سوءاستفاده قرار گیرند؛ موارد خشونت و سوء استفاده ممکن است شامل تنبیه بدنی یا تحقیرآمیز از سوی کارکنان آموزشی برای مثال با محدود کردن یا جدا کردن دانش‌آموز دارای معلولیت و نیز قلدری توسط بقیه دانش‌آموزان در داخل مدرسه یا در مسیر رفت و آمد به مدرسه باشد. در اجرای بند ۲ ماده ۱۶، دولت‌های عضو ملزم هستند برای حمایت از افراد دارای معلولیت و پیشگیری از همه اشکال سوءاستفاده، خشونت و بدرفتاری از جمله خشونت جنسی علیه این افراد همه تدابیر مناسب را به کار گیرند. این تدابیر باید متناسب سن، جنسیت و نوع معلولیت باشد. کمیته حقوق افراد دارای معلولیت عمیقاً با توصیه‌های کمیته حقوق کودک، کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موافق است که دولت‌های عضو باید همه اشکال تنبیه بدنی و رفتار خشن، غیرانسانی و توهین‌آمیز را در همه محیط‌ها از جمله مدارس ممنوع کنند و برای مرتکبان مجازات در نظر گیرند.²⁰ کمیته از مدارس و سایر مراکز آموزشی دعوت می‌کند دانش‌آموزان و از جمله دانش‌آموزان دارای معلولیت را در تدوین سیاست‌های انضباطی از جمله سازوکارهای حمایتی دسترسی‌پذیر برای مقابله با بی‌انضباطی و قلدری، به ویژه قلدری آنلاین که به شکلی فزاینده به بخشی از زندگی دانش‌آموزان به خصوص بچه‌ها تبدیل شده است مشارکت دهند.

50. آموزش فراگیر نیاز به شناسایی حق افراد دارای معلولیت بر زندگی در جامعه و به‌رهمندی از حضور و مشارکت در جامعه (ماده ۱۹) دارد. همچنین ایجاب می‌کند که حق برابر افراد دارای معلولیت بر برخورداری از زندگی خانوادگی و در صورت نبودن خانواده، برخورداری مراقبت‌های جایگزین در جامعه به رسمیت شناخته شود. برای کودکانی که در پرورشگاه یا آسایشگاه و تحت سرپرستی دولت‌های عضو هستند باید حق بر آموزش فراگیر و حق بر تجدیدنظرخواهی از تصمیم‌های دولت مبنی بر محروم ساختن کودکان از آموزش فراگیر به رسمیت شناخته شود. بسیاری از افراد دارای معلولیت هنوز در مراکز نگهداری زندگی می‌کنند و به این جهت از خدمات جامعه‌محور مثل آموزش هماهنگ با سایر حقوقشان نظیر زندگی خانوادگی، زندگی در جامعه، آزادی اجتماعات، حفاظت در مقابل خشونت و دسترسی به عدالت محروم هستند. ایجاد آموزش فراگیر در جامعه باید در راستای تعهد استراتژیک به پایان بخشیدن به سپردن افراد دارای معلولیت در مراکز نگهداری باشد (نک. بند ۶۴ پایین). دولت‌های عضو باید به نقش اعمال حق بر آموزش فراگیر در ایجاد نقاط قوت، مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای بهره‌گیری و مشارکت افراد دارای معلولیت در جامعه توجه کنند.

51. برای تحقق موثر آموزش فراگیر باید امکان تردد مستقل برای افراد دارای معلولیت فراهم شود (ماده ۲۰). در جاهایی که حمل و نقل موجود نیست و کمک شخصی برای دسترسی به نهادهای آموزشی وجود ندارد، باید به افراد دارای معلولیت به ویژه افراد نابینا و کم‌بینا مهارت‌های تحرک و جهت‌یابی آموزش داده شود تا افراد مستقل‌تر شوند. همچنین دولت‌های عضو باید برای افراد دارای معلولیت امکان تهیه ابزار و وسایل کمک-حرکتی را با هزینه‌ای معقول فراهم کنند.

²⁰ همان، تفسیر کلی شماره ۸ (۲۰۰۶) درباره حق کودک بر محافظت شدن در برابر تنبیه بدنی و سایر اشکال مجازات‌های خشن و توهین‌آمیز.

۵۲. تامین حق افراد دارای معلولیت بر بهرمندی از بالاترین سطح سلامت بدون تبعیض (ماده ۲۵) بخش جدایی‌ناپذیر بهرمندی از آموزش است. در صورتی که دسترسی به سلامت و یا درمان و مراقبت مناسب قطع شود، توان حضور در محیط‌های آموزشی و یادگیری موثر به طور جدی به خطر می‌افتد. دولت‌های عضو باید برنامه‌های سلامت، بهداشت و تغذیه ایجاد کنند که با نگاهی جنسیت-محور تنظیم شده باشد و در خدمات آموزشی ادغام شود؛ این برنامه‌ها باید امکان نظارت مداوم بر نیازهای سلامت را فراهم کنند. این برنامه‌ها باید بر اساس اصول طراحی فراگیر و دسترسی‌پذیری تدوین شوند، شامل بازدید پرستار از مدارس و بررسی وضعیت سلامت دانش‌آموزان باشند و همکاری اجتماعی ایجاد کنند. افراد دارای معلولیت باید بر مبنای برابر با دیگران از آموزش مناسب سن، جامع و فراگیر جنسی برخوردار باشند و این آموزش باید مبتنی بر شواهد علمی و معیارهای حقوق بشری و در قالب‌های دسترسی‌پذیر ارائه شود.

۵۳. دولت‌های عضو باید تدابیر موثری برای تامین خدمات توانبخشی و بازتوانی مثل مراقبت سلامت، مشاوره شغلی، فیزیکی و اجتماعی و سایر خدمات دیگر را در نظام آموزشی در نظر گیرند (ماده ۲۶). چنین خدماتی باید از پایین‌ترین سن ممکن ارائه شوند، بر مبنای ارزیابی چند بُعدی نقاط قوت دانش‌آموز باشد و از حداکثر استقلال، خودمختاری، احترام به شأن، توان کامل فیزیکی، ذهنی، اجتماعی و شغلی و همچنین حضور و مشارکت در همه ابعاد زندگی حمایت کنند. کمیت بر اهمیت حمایت از بسط توانبخشی جامعه‌محور تاکید دارد؛ توانبخشی جامعه‌محور به تشخیص زودهنگام می‌پردازد و کمک همتایان را تشویق می‌کند.

۵۴. در آموزش فراگیر باکیفیت افراد دارای معلولیت باید از طریق تحصیل دانش، مهارت‌ها و اعتماد لازم برای مشارکت در بازار آزاد کار و محیط آزاد، فراگیر و در دسترس کاری برای اشتغال آماده شوند (ماده ۲۷).

۵۵. مشارکت کامل در زندگی سیاسی و عمومی از طریق تحقق حق بر آموزش فراگیر تقویت می‌شود. مطالب درسی همه دانش‌آموزان باید شامل موضوعات شهروندی و آموزش مهارت‌های ترویج‌گری و بیان نظرات و دیدگاه‌های خود به عنوان مبنای بنیادین مشارکت در فرایندهای سیاسی و اجتماعی باشد. امور عمومی شامل ایجاد و شرکت در سازمان‌های دانش‌آموزی مثل اتحادیه‌های دانش‌آموزی است و دولت‌های عضو باید از ایجاد محیط‌هایی که در آن افراد دارای معلولیت به اشکال ارتباطی و زبان‌های منتخب خود بتوانند این سازمان‌های دانش‌آموزی را ایجاد کنند یا به آنها بپیوندند و مشارکت کامل و موثر داشته باشند، حمایت کنند (ماده ۲۹).

۵۶. دولت‌های عضو باید همه موانع دسترسی و وجود فرصت‌های فراگیر مشارکت در بازی، تفریح و ورزش در مدارس و فعالیت‌های فوق‌برنامه در همه محیط‌های آموزشی را از میان بردارند و آن را ترویج کنند (ماده ۳۰).²¹ در محیط‌های آموزشی باید برای تضمین فرصت دسترسی افراد دارای معلولیت به زندگی فرهنگی و پرورش و استفاده از پتانسیل‌های خلاقانه، هنری و ذهنی آنها در محیط مدارس تدابیر مناسب به کار گرفته شود تا هم خود این افراد بهره‌گیرند و هم جامعه غنی‌تر شود. این تدابیر باید به گونه‌ای اعمال شوند که افراد دارای معلولیت از حق به رسمیت شناخته شدن هویت فرهنگی و زبانی خاص خود، از جمله زبان‌های اشاره و فرهنگ ناشنوایان برخوردار شوند.

چهارم. اجرا در سطح ملی

۵۷. کمیت برخی چالش‌های مستمر پیش روی دولت‌های عضو را در راه اجرای ماده ۲۴ شناسایی کرده است. برای اجرا و پایداری نظام آموزش فراگیر برای همه افراد دارای معلولیت باید در سطح ملی به تدابیری که در ادامه می‌آیند توجه شود.

²¹ همان، تفسیر کلی شماره ۱۷ (۲۰۱۳) درباره حق کودک بر استراحت، اوقات فراغت، بازی، فعالیت‌های تفریحی، زندگی فرهنگی و هنری.

58. مسئولیت آموزش افراد دارای معلولیت و سایرین در همه سطوح باید بر عهده وزارت آموزش باشد. در بسیاری از کشورها، آموزش افراد دارای معلولیت به وزارت‌های رفاه اجتماعی یا بهداشت و سلامت سپرده شده و به این ترتیب به حاشیه رانده شده است؛ این وضعیت در کل موجب نتایجی از این قبیل شده: مستثنی شدن از قوانین، سیاست‌ها، برنامه‌ها و منابع اصلی آموزش، سطح پایین‌تر سرمایه‌گذاری سرانه برای افراد دارای معلولیت، نبود ساختارهای اصلی و منسجم برای حمایت از آموزش فراگیر، عدم جمع‌آوری اطلاعات در مورد آمار ثبت‌نام، باقی ماندن دانش‌آموزان دارای معلولیت در نظام آموزشی و دستاوردهای آنها، و کوتاهی در آموزش فراگیر معلمان. دولت‌های عضو باید فوراً اختیار آموزش یادگیرندگان دارای معلولیت را به وزارتخانه‌های آموزش منتقل کنند.

59. دولت‌های عضو باید تعهد جامع و چندبخشی به آموزش فراگیر را در همه سطوح دولتی تضمین کنند. آموزش فراگیر توسط وزارتخانه‌های آموزش به تنهایی قابل تحقق نیست. همه وزارتخانه‌ها و کمیسیون‌هایی که به نحوی مسئولیتی در ارتباط با اجرای این کنوانسیون بر عهده دارند باید به نظام آموزش فراگیر متعهد شوند و دیدگاه‌های خود را در مورد آن هماهنگ کنند تا به رویکردی یکدست برسند و با همکاری هم در اجرای برنامه‌ای مشترک گام بردارند. باید سازوکارهایی برای پاسخگو کردن وزارتخانه‌های درگیر در نظر گرفته شود تا تعهد خود در ارتباط با آموزش فراگیر را انجام دهند. همچنین باید با نهادهای مختلف همکاری صورت گیرد از جمله ارائه‌دهندگان خدمات، سازمان‌های نماینده افراد دارای معلولیت، رسانه‌ها، سازمان‌های جامعه مدنی، مقامات محلی، انجمن‌ها و فدراسیون‌های دانش‌آموزی، دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم.

60. دولت‌های عضو باید قوانین را در همه سطوح منطبق با الگوی حقوق بشری معلولیت و منطبق با ماده ۲۴ تدوین و اجرا کنند. کمیته یادآوری می‌کند که بند ۵ ماده ۴ دولت‌های فدرال را ملزم کرده تضمین کنند ماده ۲۴ بدون هیچ استثنا و محدودیتی در همه بخش‌های دولت عضو به اجرا درآیند.

63. دولت‌های عضو باید یک چارچوب قانونی و سیاست‌گذاری جامع و هماهنگ برای آموزش فراگیر همراه با زمان‌بندی روشن و کافی برای اجرا و مجازات موارد نقض تهیه کنند. در این چارچوب باید به مسائلی مثل منعطف بودن، تنوع و برابری در همه نهادهای آموزشی برای همه یادگیرندگان پرداخته شود و مسئولیت‌های اصلی در همه سطوح دولت مشخص شود. مولفه‌های اصلی این موارد هستند:

- ا. رعایت استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر؛
- ب. تعریف روشن از فراگیری و اهداف مشخص فراگیری در همه سطوح آموزشی. اصول و رویه‌های فراگیری باید به عنوان بخش تفکیک‌ناپذیر اصلاح در نظر گرفته شوند و نه فقط یک برنامه اضافی؛
- پ. حق ماهوی بر آموزش فراگیر به عنوان مولفه اصلی چارچوب قانونی. برای مثال موادی که در آنها گروه خاصی از دانش‌آموزان «آموزش ناپذیر» شمرده می‌شوند باید نسخ شوند؛
- ت. تضمین حق بر دسترسی دانش‌آموزان دارای معلولیت و بدون معلولیت به فرصت‌های یادگیری فراگیر در سیستم کلی آموزش و تضمین دسترسی هر یک از یادگیرندگان به خدمات کمکی در همه مراحل؛
- ث. این شرط که همه مدارس جدید بر اساس اصل طراحی فراگیر و با رعایت معیارهای دسترسی طراحی و ساخته شوند و برنامه زمان‌بندی که مدارس موجود خود را با تفسیر کلی شماره ۲ کمیته تطبیق دهند. برای این کار توصیه می‌شود از نظام بودجه عمومی استفاده شود؛
- ج. ایجاد استانداردهای جامع کیفیت برای آموزش فراگیر و ایجاد سازوکارهای نظارتی قابل استفاده برای افراد دارای معلولیت جهت پیگیری پیشرفت اجرا در همه سطوح و تضمین اینکه سیاست‌ها و برنامه‌ها با سرمایه‌گذاری لازم اجرا و پشتیبانی می‌شوند؛

چ. معرفی سازوکار نظارتی در دسترس برای تضمین اجرای سیاست‌ها و تامین سرمایه‌گذاری لازم؛
ح. شناسایی نیاز به تامین امکانات متعارف در حمایت از فراگیری بر اساس استانداردهای حقوق بشری به جای مینا قرار دادن استفاده کارآمد از منابع، و تعیین مجازات‌هایی برای کوتاهی در تامین امکانات متعارف؛
خ. در همه قوانینی که به طور بالقوه ممکن است بر آموزش فراگیر در کشور اثر بگذارند باید صراحتاً آموزش فراگیر به عنوان غایت نهایی ذکر شود.

د. چارچوب هماهنگ برای تشخیص، ارزیابی و حمایت زودهنگام لازم برای ایجاد توانایی رشد افراد دارای معلولیت در محیط‌های فراگیر آموزشی؛

ذ. تعهد همه مقامات محلی به برنامه‌ریزی و تامین محیط و کلاس فراگیر برای همه یادگیرندگان از جمله افراد دارای معلولیت، به شکل زبان مناسب، اشکال و شیوه‌ها و ابزار ارتباطی دسترسی‌پذیر؛

ر. قانونگذاری برای تضمین اینکه همه افراد دارای معلولیت از جمله کودکان دارای معلولیت از حق بر شنیده شدن و در نظر گرفته شدن نظرات‌شان در نظام آموزشی برخوردارند. این شنیده شدن باید از طریق شوراهای مدرسه، نهادهای ادارکننده، دولت محلی و مرکزی و سازوکارهایی باشد که تصمیم‌های مربوط به آموزش را به چالش می‌کشند و تجدیدنظرخواهی می‌کنند؛

ز. ایجاد همکاری و هماهنگی میان همه ذینفعان از جمله افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آنها، آژانس‌های مختلف، سازمان‌های توسعه‌ای، سازمان‌های غیردولتی و والدین و مراقبت‌کنندگان.

۶۲. در کنار قانون فوق‌الذکر، باید یک برنامه برای بخش آموزش تهیه شود. این برنامه باید در مشورت با سازمان‌های افراد دارای معلولیت از جمله کودکان دارای معلولیت تدوین شده باشد و جزییات فرایند اجرای نظام آموزش فراگیر را مشخص کند. این برنامه همچنین باید حاوی زمان‌بندی و اهداف قابل‌سنجش باشد و در آن برای تضمین انسجام‌تدابیری در نظر گرفته شود. این برنامه باید مبتنی بر تحلیل جامع از وضعیت فعلی مربوط به آموزش فراگیر باشد تا معیاری مشخص کند که بر مبنای آن بتوان میزان پیشرفت را سنجید، برای مثال باید شامل این موارد باشد تخصیص بودجه فعلی، کیفیت شیوه‌های گردآوری اطلاعات، تعداد کودکان دارای معلولیت خارج از مدرسه، چالش‌ها و موانع، قوانین و سیاست‌های فعلی، نگرانی‌های اصلی افراد دارای معلولیت، خانواده‌ها و دولت عضو.

۶۳. برای موارد نقض حق بر آموزش، دولت‌های عضو باید سازوکار شکایت و خسارت‌های حقوقی مستقل، موثر، در دسترس، شفاف، امن و قابل اجرا ایجاد کنند. افراد دارای معلولیت باید به نظام دادگستری دسترسی داشته باشند و این نظام باید بداند چطور با افراد دارای معلولیت برخورد کند و قادر به رسیدگی به شکایت‌های مربوط به معلولیت باشد. همچنین دولت‌های عضو باید تضمین کنند که اطلاعات مربوط به حق بر آموزش و چگونگی به چالش کشیدن نقض یا عدم ارائه این حق از طریق سازمان‌های افراد دارای معلولیت به طور گسترده در اختیار آنها قرار گیرد.

۶۴. آموزش فراگیر با سپردن افراد دارای معلولیت به موسسات نگهداری ناهمخوان است. دولت‌های عضو باید وارد فرایندی برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته برای بیرون آوردن افراد دارای معلولیت از مراکز نگهداری (موسسه‌زدایی) شوند. در این فرایند باید به این مسائل پرداخته شود: شرایط مدیریت‌شده گذار با زمان‌بندی مشخص این گذار؛ قانون برای ایجاد امکانات جامع‌محور؛ هدایت منابع مالی و ایجاد چارچوب‌های بین‌رشته‌ای برای حمایت و تقویت خدمات جامع‌محور؛ تامین حمایت از خانواده‌ها؛ همکاری و مشاوره با سازمان‌های نماینده افراد دارای معلولیت از جمله کودکان دارای معلولیت، والدین و مراقبت‌کنندگان. تا زمانی که موسسه‌زدایی در حال انجام است، افراد دارای معلولیت این مراکز باید به آموزش فراگیر دسترسی فوری داشته باشند و با نهادهای آموزشی فراگیر جامعه در ارتباط قرار داده شوند.

۶۵. مداخله زودهنگام در کودکی می‌تواند برای کودکان دارای معلولیت بسیار ارزشمند باشد، از سویی توان آنها را برای بهرمندی از آموزش تقویت کند و از سوی دیگر احتمال ثبت‌نام و حضور آنها را در محیط آموزشی بالا ببرد. همه این مداخله‌ها باید با احترام به شأن و خودمختاری کودک صورت گیرد. در راستای برنامه توسعه پایدار ۲۰۳۰، به ویژه هدف ۴ توسعه پایدار، از دولت‌های عضو اکیدا خواسته می‌شود دسترسی به آموزش و مراقبت باکیفیت پیش‌دبستانی و رشد مراحل اولیه کودکی را فراهم کنند؛ همچنین آموزش و حمایت لازم را برای والدین و مراقبت‌کنندگان کودکان کمسن دارای معلولیت فراهم کنند. در صورت تشخیص و کمک زودهنگام، کودکان کمسن دارای معلولیت گذار راحت‌تری به محیط‌های پیش‌دبستانی و دبستان فراگیر خواهند داشت. دولت‌های عضو باید تضمین کنند همه وزارتخانه‌ها، مقامات و نهادها، سازمان‌های نماینده افراد دارای معلولیت و شرکای غیردولتی آنها با هم هماهنگ هستند.

۶۶. در راستای ماده ۳۱، دولت‌های عضو باید برای تعیین چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌ها، اطلاعات تفکیکی مناسب گردآوری کنند تا تعهد ناشی از ماده ۲۴ خود را ایفا کنند. دولت‌ها باید برای مقابله با نبود اطلاعات دقیق در مورد تعداد افراد دارای معلولیت‌های مختلف و نبود تحقیقات و اطلاعات مناسب مربوط به دسترسی به آموزش و ادامه تحصیل و پیشرفت در آن، میزان امکانات متعارف و نتایج حاصل از آن تدابیری در نظر گیرند. آمارگیری، نظرسنجی و جمع‌آوری اطلاعات اداری از جمله سیستم اطلاعات مدیریت آموزشی باید حاوی اطلاعاتی در مورد دانش‌آموزان دارای معلولیت باشد، از جمله آنانی که هنوز در مراکز نگهداری زندگی می‌کنند. همچنین دولت‌های عضو باید در مورد موانع بازدارنده افراد دارای معلولیت برای دسترسی به آموزش فراگیر و باکیفیت و تحصیل و پیشرفت در آن شواهد و اطلاعات تفکیکی گردآوری کنند؛ در نتیجه این گردآوری اطلاعات دولت‌ها خواهند توانست تدابیر موثری برای رفع موانع در پیش گیرند. باید شیوه‌هایی برای غلبه بر کنار گذاشتن افراد دارای معلولیت از سازوکارهای کمی و کیفی جمع‌آوری اطلاعات در نظر گرفته شود، از جمله وقتی که علت فقدان اطلاعات، اکراه والدین از اعلام وجود کودک دارای معلولیت، یا نبود اوراق ثبت تولد یا نادیده گرفته شدن در مراکز نگهداری باشد.

۶۷. دولت‌های عضو باید همسو با اصل تحقق تدریجی به تامین منابع مالی و انسانی کافی در زمان تدوین برنامه بخش آموزش و برنامه‌های چندبخشی برای حمایت از اجرای آموزش فراگیر متعهد باشند. دولت‌های عضو باید سیستم‌های حکمرانی و سازوکارهای مالی خود را طوری اصلاح کنند که حق بر آموزش همه افراد دارای معلولیت را تضمین کند. همچنین باید با استفاده از سازوکارهای موجود در فرایندهای اختصاص بودجه عمومی و همکاری با بخش خصوصی منابع مالی مورد نیاز را تامین کنند. در اختصاص بودجه باید تحقق موارد زیر در اولویت قرار گیرند: تضمین منابع کافی برای دسترسی‌پذیر کردن فضاهای موجود آموزشی در زمان مناسب، سرمایه‌گذاری در آموزش فراگیر معلمان، تامین امکانات متعارف، تامین حمل و نقل دسترسی‌پذیر به مدارس، تامین کتاب و مطالب آموزشی و یادگیری دسترسی‌پذیر و مناسب، تامین فناوری‌های کمکی و زبان اشاره و اجرای برنامه‌های آگاهی‌بخش برای حل معضل ننگ و تبعیض به ویژه مقابله با قلدری در محیط‌های آموزشی.

۶۸. کمیته موکدا از دولت‌های عضو می‌خواهد منابع را از محیط‌های تفکیکی به محیط‌های فراگیر آموزشی منتقل کنند. دولت‌های عضو باید یک الگوی تامین مالی تدوین کنند که بر طبق آن منابع و مشوق‌هایی به محیط‌های آموزشی فراگیر تخصیص یابد تا کمک‌های لازم را برای افراد دارای معلولیت تامین کنند. مناسب‌ترین رویکرد تامین مالی باید با در نظر گرفتن دو موضوع تعیین شود: فضاهای موجود آموزشی و مقتضیات توان بالقوه یادگیرندگان دارای معلولیت که وضعیت این فضاها بر آنها اثر می‌گذارد.

۶۹. فرایند آموزش معلمان پیش‌دبستانی، دبستان، متوسطه، دانشگاهی و آموزش حرفه‌ای باید آغاز شود تا این معلمان با توانایی‌های اصلی و ارزش‌های لازم برای کار در محیط فراگیر آموزشی آشنا شوند. چنین فرایندی نیاز به هماهنگ

ساختن آموزش پیش از شروع کار و آموزش ضمن خدمت معلمان دارد تا آنها در کمترین زمان ممکن به مهارت‌های مناسب دست پیدا کنند و گذار به نظام آموزش فراگیر تسهیل شود. باید علاوه بر سرفصل‌ها و واحدهای درسی لازم که معلمان را برای کار در محیط‌های فراگیر آماده کند، امکان یادگیری عملی و تجربی نیز برای آنها فراهم شود تا ایشان بتوانند مهارت‌ها و اعتماد به نفس لازم را برای حل مشکلات در دریایی از چالش‌های آموزش فراگیر کسب کنند. محتوای اصلی آموزش معلمان باید به درک اولیه تنوع انسانی، رشد و شکوفایی همه انسان‌ها، الگوی حقوق بشری معلولیت و شیوه تعلیم و تربیت فراگیر بپردازد که به معلمان اجازه می‌دهد توانایی‌های کارکردی دانش‌آموزان (نقاط قوت، توانایی‌ها و الگوهای یادگیری) را تشخیص دهند تا مشارکت آنان در محیط‌های فراگیر آموزشی تضمین شود. آموزش معلمان باید شامل یادگیری استفاده از شیوه‌های مناسب تقویتی و جایگزین، ابزار و اشکال ارتباطی مثل بریل، چاپ درشت، محتوای چندرسانه‌ای دسترسی‌پذیر، متون ساده‌شده، زبان ساده، زبان اشاره و فرهنگ ناشنویان، تکنیک‌های آموزشی و مطالبی برای کمک به افراد دارای معلولیت باشد. به علاوه، معلمان نیاز به راهنمای عملی و حمایت در این موارد دارند؛ تامین راهنمایی فردی؛ آموزش محتوای واحد به شیوه‌های مختلف آموزشی برای پاسخ به الگوهای یادگیری و توانایی‌های ویژه هر فرد؛ تهیه و استفاده از برنامه‌های آموزشی فردی برای انطباق با شرایط ویژه یادگیری هر فرد؛ و معرفی روش تعلیم و تربیتی که متمرکز بر اهداف آموزشی دانش‌آموزان باشد.

۷۰. آموزش فراگیر نیاز به سیستم حمایتی و منابع برای معلمان در مراکز آموزشی همه سطوح دارد. در چنین سیستمی ممکن است میان نهادهای آموزشی نزدیک به هم همکاری‌هایی شکل گیرد مثل دانشگاه‌ها، هدف این همکاری‌ها تقویت رویه‌های مشارکتی مثل آموزش گروهی، گروه‌های مطالعه، فرایندهای ارزیابی مشترک دانش‌آموزان، کمک هم‌تایان و بازدید متقابل و همکاری با جامعه مدنی است. والدین و مراقبت‌کنندگان دانش‌آموزان دارای معلولیت در موقعیت لازم، می‌توانند به عنوان همکار در بسط و اجرای برنامه‌های یادگیری از جمله برنامه‌های آموزش فردی مشارکت کنند. والدین و مراقبت‌کنندگان می‌توانند نقش مهمی به عنوان مشاور و حامی معلمان در تامین کمک به دانش‌آموز داشته باشد اما این کمک و مشاوره هیچ‌گاه نباید پیش‌شرط پذیرش در محیط آموزشی باشد. دولت‌های عضو باید از همه منابع ممکن برای پشتیبانی از معلمان استفاده کنند مثل سازمان‌های نماینده افراد دارای معلولیت، یادگیرندگان دارای معلولیت و افراد جامعه محلی که می‌توانند کمک قابل توجهی بکنند مثل آموزش خصوصی هم‌تایان، مشارکت و حل مشکل. مشارکت این سازمان‌ها منبعی کمکی برای کلاس درس خواهد بود و به ایجاد روابط با جوامع محلی، رفع موانع و منعطف و حساس کردن بیشتر معلمان به نقاط قوت و شرایط دانش‌آموزان دارای معلولیت کمک خواهد کرد.

۷۱. همه مقامات باید برای اجرای قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از آموزش فراگیر از ظرفیت، تعهد و منابع لازم برخوردار باشند. دولت‌های عضو باید تضمین کنند آموزش لازم برای این مقامات تدوین و اجرا می‌شود تا همه آنها از مسئولیت‌هایی که به موجب قانون دارند آگاه باشند و فهم آنها از حقوق افراد دارای معلولیت افزایش یابد. مهارت‌ها، دانش و درک لازم برای اجرای سیاست‌ها و رویه‌های آموزش فراگیر شامل این موارد است: درک مفهوم حق بر آموزش فراگیر و اهداف آن، آگاهی از قوانین و سیاست‌های ملی و بین‌المللی، بسط برنامه‌های محلی آموزش فراگیر، همکاری و مشارکت، حمایت، راهنمایی و نظارت نهادهای محلی آموزش، نظارت و ارزیابی.

۷۲. آموزش فراگیر و باکیفیت نیاز به شیوه‌های ارزیابی و نظارت بر پیشرفت دانش‌آموزان و بررسی موانع پیش‌روی دانش‌آموزان دارای معلولیت دارد. شیوه‌های ارزیابی سنتی که از نمره امتحان استاندارد به عنوان تنها شاخص موفقیت دانش‌آموزان و مدرسه استفاده می‌کنند می‌توانند به ضرر دانش‌آموزان دارای معلولیت باشند. باید متوجه پیشرفت فردی در جهت دستیابی به اهداف گسترده آموزشی باشد. با روش‌ها، حمایت و امکانات مناسب، هر سرفصل درسی را می‌توان با نیازهای تک‌تک دانش‌آموزان از جمله دانش‌آموزان دارای معلولیت تطبیق داد. سیستم‌های فراگیر ارزیابی دانش‌آموزان را می‌توان از طریق سیستم کمک فردی به دانش‌آموزان تقویت کرد.

۷۳. در راستای ماده ۳۳ و برای سنجش میزان تحقق حق بر آموزش از طریق ایجاد نظام فراگیر آموزش، دولت‌های عضو باید چارچوب‌های نظارتی ایجاد کنند که شاخص‌های ساختاری، فرایندی و نتیجه‌ای داشته باشد و معیارها و اهدافی برای هر شاخص در نظر گرفته شود که با هدف ۴ توسعه پایدار همخوان باشد.²² افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده خود باید در تعیین شاخص‌ها و گردآوری اطلاعات و آمار مشارکت داشته باشند. شاخص‌های ساختاری نباید صرفاً به گردآوری اطلاعات تفکیکی بر اساس انواع معلولیت اختصاص داشته باشند و باید بتوان موانع آموزش فراگیر را از طریق آنها سنجید. شاخص‌های فرایند مثل شاخص مربوط به تغییرات دسترسی‌پذیری به فضاها، تطبیق سرفصل‌ها یا آموزش معلمان امکان نظارت بر پیشرفت تغییرات را فراهم می‌کند. شاخص‌های نتیجه نیز باید تدوین شود، مثل درصد دانش‌آموزان دارای معلولیت که در محیط فراگیر یادگیری گواهی یا دیپلم فارغ‌التحصیلی دریافت می‌کنند یا درصد دانش‌آموزان دارای معلولیت که در دوره متوسطه پذیرفته می‌شوند. دولت‌های عضو باید به سنجش کیفیت آموزش هم توجه کنند مثلاً پنج بُعدی که از سوی یونسکو پیشنهاد شده: احترام به حقوق، انصاف، مرتبط بودن، مناسب بودن، کارآمدی و موثر بودن. همچنین باید به نظارت بر نحوه اجرای تدابیر مثبت اتخاذ شده مثل اختصاص سهمیه یا مشوق‌ها هم توجه کرد.

۷۴. کمیته توجه دارد که در بسیاری کشورها آموزش در بخش خصوصی رشد کرده است. دولت‌های عضو باید توجه داشته باشند که حق بر آموزش فراگیر شامل تامین همه نوع آموزش می‌شود و نه فقط آموزشی که از سوی مقامات عمومی ارائه می‌شود. دولت‌های عضو باید برای حفاظت از نقض حقوق توسط اشخاص ثالث، مانند بنگاه‌های خصوصی، تدابیری در نظر گیرند. در خصوص حق بر آموزش، این تدابیر باید تامین آموزش فراگیر را تضمین کنند که می‌تواند در صورت لزوم شامل وضع قوانین و مقررات، نظارت، بازرسی، اجرا و تصویب سیاست‌ها در مورد چگونگی کار و تاثیرگذاری بنگاه‌های تجاری بر بهرمندی موثر و اعمال حقوق افراد دارای معلولیت باشد. نهادهای آموزشی از جمله نهادهای خصوصی و بنگاه‌ها نباید هزینه‌ای اضافی برای دسترسی‌پذیری یا تامین امکانات متعارف طلب کنند.

²² Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Human Rights Indicators: a Guide to Measurement and Implementation* (New York and Geneva, 2012).